

شیوه‌های غیر ترافی حل و فصل اختلاف درون تعاونی‌ها در پرتو اقتضائات و اصول تعاون^۱

محمد ساردوئی نسب^۲، علی زندی^۳

چکیده

با توجه به اصول و ارزش‌های حاکم بر تعاون، حل و فصل اختلافات حادث در بخش تعاونی، اقتضائاتی دارد که از سوی بسیاری از فعالان این حوزه مغفول مانده است. تعاونی‌ها دارای فضایی غیر سوداگرا بوده و بر دوستی و همکاری بنا شده‌اند و از این رو، مسالمت‌آمیزترین روش حل اختلافات را می‌طلبند تا مجادله و اختلاف را افزایش ندهد.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اتخاذ رویکرد تحلیلی و توصیفی، اقتضائات شیوه حل و فصل اختلافات در بخش تعاونی و اصول حاکم بر شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف در این بخش را تبیین و تحلیل می‌کند و نتیجه می‌گیرد که کاربرد شیوه‌های غیر ترافی جایگزین حل و فصل اختلاف در این حوزه، بر روش‌های قضایی و داوری رجحان دارد. از سوی دیگر، داوری کدخدامنشی مذکور در بند ۹ ماده ۴۳ قانون بخش تعاونی، یک ظرفیت قانونی برای اعمال شیوه غیر ترافی حل اختلاف در بخش تعاون است که عدم تدوین دستورالعمل منسجم برای نحوه اعمال آن و نبود ضمانت اجرای مناسب برای اجرای توافقی‌نامه‌های ناشی از این نوع داوری، استفاده از این ظرفیت را با مانع مواجه کرده است.

واژگان کلیدی: تعاونی، شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، داوری کدخدامنشی، میانجی‌گری.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی نویسنده دوم تحت عنوان «آسیب‌شناسی و تحلیل حقوقی شیوه‌های حل و فصل اختلاف در بخش تعاون» با راهنمایی آقای دکتر محمد ساردوئی نسب در پژوهشگاه قوه قضاییه می‌باشد.

۲. استاد گروه حقوق عمومی (بخش حقوق نفت و گاز)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

sardocinasab@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

alizandi994@yahoo.com

درآمد

تعاونی‌ها را می‌بایست در پرتو اصول و ارزش‌هایی تحلیل و بررسی کرد که موجب تمیز آن از دیگر بخش‌های اقتصادی و اشخاص حقوقی غیر تعاونی است. اجرای نظام اقتصاد تعاونی، بدون تحقق اصول و ارزش‌هایی مانند فداکاری، ایثار، انصاف، دگرخواهی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و صداقت ممکن نیست. نظام تعاونی این اصول و ارزش‌ها را جایگزین نظام سودجویی شدید و رقابت داروینستی می‌کند (یوسفی، ۱۳۹۰: ۱۳۴)؛ با این وجود، شکل‌گیری تضاد منافع و بروز اختلاف در سازمان‌ها و گروه‌های کاری امری طبیعی است. شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی که هدف فعالیت آن‌ها تأمین نیاز اعضا و اداره امور آن‌ها به صورت مردم‌سالار و با مشارکت اعضا است، از این امر مستثنی نیستند و به‌رغم شیوه مدیریت مردم‌سالار حاکم بر فعالیت آن‌ها، به علت بروز تعارض در منافع بین اعضا و مدیران، با اختلافات داخلی مواجه می‌شوند (مجتهد، ۱۳۸۱: ۷۱)؛ بنابراین به‌کارگیری شیوه‌هایی برای حل و فصل اختلاف در بخش تعاونی؛ به گونه‌ای که خدش‌های به این مبانی و ارزش‌ها وارد نکنند، موضوع بحث قرار می‌گیرد. از طرفی امروزه برای اجرای حق و حل و فصل اختلافات، صرف نظر از مراجعه به محاکم دادگستری، روش‌های دیگری مانند سازش و میانجی‌گری به‌عنوان شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف پیش‌بینی شده است (نظام‌الملکی، ۱۴۰۱: ۳۴۰).

در این نوشتار، ضمن تحلیل اقتضانات بخش تعاونی برای حل و فصل اختلافات و تطبیق این اقتضانات با اصول حاکم بر شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، روش‌های مناسب برای حل و فصل اختلافات در تعاونی‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس با در نظر گرفتن قوانین و مقررات فعلی، ظرفیت‌های قانونی برای به‌کارگیری شیوه‌های پیشنهادی در بخش تعاون را تبیین و برای رفع موانع به‌کارگیری این شیوه‌ها، پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

۱. اقتضانات بخش تعاون برای حل و فصل اختلافات

حقوق تعاون و نهادهای فعال در این بخش اعم از شرکت‌ها، اتحادیه‌ها و اتاق‌های تعاون به‌طور کلی دارای مبانی و اهدافی است که موجب تمایز آن‌ها از سایر مفاهیم و ساختارهای مشابه می‌شود. این مبانی و اهداف را می‌توان بر مبنای

اصول و ارزش‌های حاکم بر بخش تعاونی شناخت؛ چرا که هر پدیده به وسیله اصول و نیز ارزش‌های حاکم بر آن معرفی و شناخته می‌شود و بدون شناخت دقیق این اصول که در واقع ویژگی‌های آن می‌باشد، نمی‌توان آن پدیده را به درستی درک کرد. اصول و ارزش‌های حاکم تعاون به‌طور مدون در ابتدا در سال ۱۸۴۴ توسط تعاون‌گران راجدیل در انگلستان تنظیم شد و متعاقب آن با تشکیل اتحادیه بین‌المللی تعاون^۱ به‌عنوان اصلی‌ترین سازمان جنبش تعاونی در جهان این نهاد، وظیفه تبیین و ترویج و به‌روز رسانی این اصول و ارزش‌ها را برعهده گرفت. این ارزش‌ها و اصول بین‌المللی در سند ملی تعاون ایران نیز مورد تأکید قرار گرفته است.^۲ با مد نظر قرار دادن اصول و ارزش‌ها تعاون که همگی نشان‌دهنده مبانی و فلسفه تعاونی‌ها است، این موضوع قابل استنباط است که در اختلافات به‌وجود آمده در تعاونی‌ها نمی‌توان همانند سایر نهادها و ساختارها از قبیل شرکت‌های تجاری، سودمحور عمل کرد و به یک شبهه اختلافات را حل و فصل نمود، بلکه تعاونی‌ها در خصوص نحوه حل و فصل اختلافات پیش آمده در درون خود اقتضائاتی دارند که شیوه‌های حل و فصل نیز می‌بایست مبتنی بر این اقتضائات باشد و در غیر این صورت، موجب رکود فعالیت تعاونی‌ها و بروز خسارت به اعضای تعاونی می‌شود. در ادامه این اقتضائات مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱-۱. اقتضای همکاری و همدلی میان اعضاء

با عنایت به برخی اصول و ارزش‌های حاکم بر بخش تعاون مانند کنترل دموکراتیک و مشارکت اقتصادی اعضاء، می‌توان گفت که فلسفه عملی تعاون، همیاری و همکاری متقابل بوده و ارزش اقتصاد تعاونی در آن است که گسستگی‌های اجتماعی را به پیوستگی اجتماعی تبدیل می‌سازد. تعاون به‌معنای کارگروهی و مشارکت در کارهای نیک با هدف رفع نیازهای مشترک و بهبود وضع اقتصادی و

1. International Co-operative Alliance (ICA)

۲. اصول تعاونی رهنمودهایی است که طبق آن تعاونی‌ها تحقق ارزش‌هایی مانند خودیاری، مسئولیت‌پذیری، دموکراسی، برابری، مسئولیت اجتماعی و توجه به دیگران را عملی می‌سازند. این اصول بر اساس بازنگری اتحادیه بین‌المللی تعاون (۱۹۹۵) عبارت است از: عضویت اختیاری و آزاد، کنترل دموکراتیک توسط اعضاء، مشارکت اقتصادی اعضاء، خودگردانی و عدم وابستگی، آموزش، کارورزی و اطلاع‌رسانی، همکاری بین تعاونی‌ها و توجه به جامعه (برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: طالب، ۱۳۹۱ و ساردوئی نسب، ۱۳۸۸).

اجتماعی اعضای صورت می‌گیرد و یکی از علل پیوستن افراد به تعاونی‌ها، آن است که نمی‌توانند نیازهای خود را به صورت فردی برآورده سازند و لذا با عضویت در تعاونی و با همکاری، مساعدت و مشارکت دیگر اعضای این نیازها را تأمین می‌کنند؛ بنابراین همکاری میان اعضای یک رکن اساسی در بخش تعاون و از فلسفه‌های ایجاد این نهاد است. این ویژگی مورد توجه قانون‌گذار ایران نیز بوده است و برای نمونه، ماده ۲ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ در تعریف شرکت تعاونی آورده است: «شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود اقتصادی و اجتماعی شرکاء از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان و تشویق به پس‌انداز، موافق اصولی که در قانون مطرح است، تشکیل می‌شود». همچنین در بند هفتم از ماده ۱ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ با اصلاحات بعدی، یکی از اهداف بخش تعاونی، توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون بین مردم قید شده است.^۱ با در نظر گرفتن این ارزش مهم در بخش تعاونی می‌توان نتیجه گرفت که شیوه‌های حل و فصلی می‌بایست در این بخش به کار گرفته شود که مبتنی بر همکاری باشد و در فرایند دادرسی حل و فصل اختلافات، این روحیه را در بین اعضای تقویت کند؛ این ضرورت ناشی از آن است که، تعاونی‌ها باید در چارچوب دوستانه فعالیت و همکاری کنند و در صورت بروز اختلاف بین خود، به منظور حفظ روحیه همکاری، اختلافات را به مسالمت‌آمیزترین روش حل و فصل نمایند.

۱-۲. اقتضای سودمحور نبودن تعاونی‌ها

بارزترین ویژگی مؤسسات تعاونی، اساسی نبودن سود در این فعالیت است. این مهم‌ترین خصوصیت و در حقیقت علت وجودی آن‌ها و وجه تمایز تعاون با کلیه روش‌های دیگر اقتصادی است (ساردوئی‌نسب، ۱۳۸۸: ۱۴۴). طبیعت اقتصاد تعاونی با توجه به اصول و ارزش‌های حاکم بر آن به‌گونه‌ای است که با سوداگری منافات دارد؛ چرا که تعاونی ابزاری برای افزایش ثروت اندوزی نیست (ساردوئی‌نسب و آقامحمدی، ۱۳۹۴: ۵۷۶). سودمحور نبودن تعاونی‌ها به این معنی است که تعاونی

۱. ماده ۱ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: «اهداف بخش تعاونی عبارتست از ...
۷- توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم».

سود را نه به عنوان یک هدف در خود، بلکه وسیله‌ای می‌داند که برای رسیدن به اهداف بالاتر به کار می‌گیرد. اهدافی نظیر رفع نیازهای مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضاء که به دور از تبعیض، برتری طلبی، سوداگری، دلال‌بازی، گران‌فروشی، کم‌فروشی و هرگونه آلودگی‌های اقتصادی در آن جهت گام برمی‌دارد. این موضوع را می‌توان از اصل مشارکت اقتصادی اعضاء استنباط کرد که یکی از اصول بین‌المللی حاکم بر تعاونی‌ها است.^۱ از آنجا که تعاونی عرصه بروز ارزش‌های اخلاقی و انسانی است و به جای تکیه بر سرمایه و پی‌گیری حداکثر کردن سود مادی شخصی در فرایند اقتصادی که منتج به رقابت و باعث کینه و دشمنی بین فعالان اقتصادی می‌شود، افراد را گرد هم جمع کرده و تنها یک مؤسسه مبتنی بر سرمایه نیست، بلکه اعضاء در سازمان آن، عامل سازنده مهمی محسوب می‌شوند؛ از این رو در تعیین شیوه حل و فصل اختلاف، به خلاف شیوه معمول در اقتصاد آزاد، به جای سرمایه و سود باید بر جنبه‌های انسانی و روابط دوستانه اعضاء تأکید کرد و شیوه‌ای را برای حل و فصل تعیین کرد که بر حفظ روابط حسنه بین اعضاء و شرکت تعاونی کمک کند و به دوستانه‌ترین صورت ممکن، اختلاف آن‌ها را حل و فصل کرده تا اعضاء و نیز اشخاص حقوقی تعاونی در مقابل یکدیگر قرار نگیرند.

۳-۱. اقتضای مشارکتی و دموکراتیک بودن

بر اساس اصول حاکم بر تعاون شامل عضویت آزاد و داوطلبانه اعضاء، کنترل دموکراتیک اعضاء و مشارکت اقتصادی یکی از مبانی مهم برای شناخت تعاونی‌ها است که بر اساس آن، اعضاء در تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، انتخاب نمایندگان و اداره امور تعاونی به صورت مساوی و مشارکتی دخالت دارند؛ لذا سازکارهای مدیریتی مشارکتی بیش از سایر سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی با مدیریت تعاونی‌ها سازگاری و هم‌خوانی دارد. از این موضوع با عنوان «هر نفر یک رأی»^۲ نیز نام برده شده است؛ چرا که یکی از ویژگی‌های تعاونی‌ها آن است که به جای حاکمیت سرمایه، حاکمیت انسان‌ها را ملاک و محور فعالیت خود قرار داده است و بر خلاف سایر

۱. مطابق این اصل، اعضای تعاونی با پرداخت سرمایه و فعالیت در کسب و کار، حق رأی یکسان و سهم منصفانه از سود شرکت دارند. این اصل در گذشته به دو اصل جداگانه تقسیم می‌شد: نخست، پرداخت بهره محدود به سرمایه اعضاء؛ و دوم، تقسیم درآمد مازاد میان اعضاء نسبت به معاملاتشان.

2. One member, one vote.

شرکت‌های تجاری که هر شریک به تعداد سهمی که مالک است حق رأی دارد، در تعاونی هر نفر صرف نظر از تعداد میزان سهام خود دارای یک رأی است. این مسأله در مواردی در قانون نیز مورد تأکید قرار گرفته است و به عنوان نمونه، در ماده ۱۹۴ قانون تجارت^۱ و ماده ۳۰ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران^۲ و ماده ۷ قانون شرکت‌های تعاونی^۳ ذکر شده است که هر یک از اعضاء بدون در نظر گرفتن میزان سهم، فقط دارای یک رأی است و هیچ یک از شرکا نمی‌تواند در مجمع عمومی بیش از یک رأی داشته باشد. در نتیجه همان‌طور که در تمامی ابعاد تعاونی‌ها مشارکت اعضاء بسیار کلیدی بوده و رضایت اعضاء در حقوق تعاونی مطابق اصل کنترل دموکراتیک اساسی می‌باشد، در بخش تعاونی شیوه حل و فصلی کارآمدتر است که طرفین اختلاف بتوانند به‌طور مؤثر در آن مشارکت داشته و فرایند و نتیجه آن مورد توافق آن‌ها قرار گیرد. شیوه مشارکتی با اصول و ارزش‌های تعاونی و مبنای تعاون مبنی بر مدیریت مشارکتی سازگار است.

۲. انطباق اصول حاکم بر شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف^۴ بر اقتضائات

تعاون

روش‌های حل اختلاف یا ترک منازعه‌ای که می‌تواند برای اختلافات مورد استفاده قرار گیرد به دو دسته است:

نخست، روش‌های قضایی یا دادرسی شامل رسیدگی دادگاهی و داوری. در رسیدگی دادگاهی کلیه قواعد آیین دادرسی؛ و در داوری، اصول و قواعد عمدتاً آمره توسط قانون‌گذار مقرر شده است؛ به‌طوری که در خصوص آن‌ها برای طرفین

۱. ماده ۱۹۴ قانون تجارت: «در صورتی که شرکت تعاونی تولید یا مصرف مطابق اصول شرکت سهامی تشکیل شود حداقل سهام یا قطعات سهام ده ریال خواهد بود و هیچ یک از شرکاء نمی‌توانند در مجمع عمومی بیش از یک رأی داشته باشد».

۲. ماده ۳۰ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: «مجمع عمومی که بر اساس این قانون بالاترین مجمع اتخاذ تصمیم و نظارت در امور شرکتهای تعاونی می‌باشد. از اجتماع اعضاء تعاونی یا نمایندگان تام‌الاختیار به‌صورت عادی و فوق‌العاده تشکیل می‌شود و هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم فقط دارای یک رأی است».

۳. ماده ۷ قانون شرکت‌های تعاونی: «مجمع عمومی عالی‌ترین مرجع اتخاذ تصمیم و ابراز اراده جمعی اعضاء برای اداره امور شرکت است که در آن تمام اعضاء حق دارند حضور به هم رسانند و رای خود را درباره موضوع دستور جلسه مجمع بدهند. در مجمع عمومی هر عضو قطع نظر از تعداد سهام، فقط دارای یک رأی است».

4. Alternative Dispute Resolution (ADR)

اختلاف حق انتخاب کمی وجود دارد یا در برخی موارد اساساً حق انتخابی نیست. افزون بر این، در این دو روش، فرایند حل اختلاف غالباً منجر به صدور رأی می‌شود که نهایتاً قطعی و الزام‌آور شده و با پشتوانه قانون به اجرا درمی‌آید (نیکبخت و ادیب، ۱۳۹۵: ۵۹).

دسته دوم روش‌های حل اختلاف موسوم به شیوه‌های دیپلماتیک یا غیر دادرسی یا جایگزین حل و فصل اختلاف است که شامل روش‌هایی از قبیل مذاکره، رسیدگی اختصاری، میانجی‌گری، کارشناسی و تحقیق می‌شود^۱ (شکوهی زاده، ۱۳۹۸: ۲۰۶). شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف به راهکارهای خصوصی حل و فصل اختلافات از سوی افراد اطلاق می‌شود. این شیوه‌ها به‌رغم تنوع و اقسامی که دارند، در یک نکته مشترک هستند که کسی برای طرفین تصمیم نمی‌گیرد و رأی صادر نمی‌کند (شیروی، ۱۳۹۳: ۶۱۷). داوری در حال حاضر نزدیک‌ترین شیوه به شیوه دادگاهی و رسمی حل و فصل اختلاف است. ویژگی اصلی داوری که ضمن دور کردن آن از دیگر شیوه‌های جایگزین، آن را به رسیدگی‌های قضایی در دادگاه‌ها نزدیک می‌سازد، ترافی بودن رسیدگی‌ها و الزام‌آور بودن رأی داوری است. این مشابهت‌های زیاد موجب شده است بسیاری از نویسندگان با توصیف داور به عنوان قاضی خصوصی، کار وی را دقیقاً همانند کار قاضی تلقی کنند (درویشی هویدا، ۱۳۸۷: ۳۲) که وظیفه حل و فصل دعا را بر عهده دارد؛ با این تفاوت که مأموریت وی ریشه قراردادی دارد و نه قانونی. در این تحقیق ما داوری را جزء شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف قلمداد نمی‌کنیم؛ به‌خصوص این‌که داوری مرکز داوری اتاق تعاون از نوع اجباری بوده و مأموریت داور نیز عملاً ریشه قانونی پیدا کرده است و تقارب بسیار زیادی به

۱. در خصوص آن‌که منظور از «جایگزین» در عبارت جایگزین حل و فصل اختلاف چیست اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را جایگزین رسیدگی در دادگاه‌ها می‌دانند و هر شیوه حل و فصل اختلاف به جز مراجعه به دادگاه را جزء این روش تلقی می‌کنند. بر این اساس، داوری جزء شیوه‌های جایگزین تلقی می‌شود. برخی دیگر آن را جایگزین رسیدگی قضایی و حقوقی می‌دانند فارغ از این‌که رسیدگی حقوقی و قضایی در داوری یا دادگاه انجام گیرد. بر اساس این دیدگاه، داوری جزء شیوه‌های جایگزین تلقی نمی‌شود (شیروی، ۱۳۹۴: ۵۷). در این تحقیق با عنایت به اجباری بودن داوری تعاونی‌ها و قرابت آن به رسیدگی در محاکم از این حیث و همچنین نزدیکی شیوه داوری در نحوه رسیدگی به دادگاه‌ها، نظریه دوم مبنا قرار گرفته است و منظور عبارت شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف در این تحقیق، شیوه‌های غیرترافی جایگزین حل و فصل مطابق دیدگاه دوم می‌باشد و شامل داوری نمی‌شود.

رسیدگی قضایی در دادگاه‌ها دارد.

بر شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، اصولی حاکم است که علاوه بر تعیین ماهیت آن‌ها، وجه تمایز این روش‌ها را از شیوه‌های قضایی و دادرسی حل و فصل اختلاف مشخص می‌کند. با بررسی این اصول می‌توان تبیین کرد که این شیوه‌ها چه میزان با اقتضائات بخش تعاون برای حل و فصل اختلاف هماهنگ است و می‌تواند در حل و فصل اختلافات در این حوزه مفید باشد.

۲-۱. توافقی بودن

در شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، رسیدگی توافقی است؛ زیرا ارجاع اختلاف به این شیوه‌ها و آغاز آن با توافق طرفین است و فرایند حل اختلاف تا زمانی ادامه می‌یابد که طرفین مایل باشند و با توافق طرفین بر ختم آن و یا رسیدن به راه حل توافقی، شیوه‌های جایگزین حل و فصل خاتمه می‌یابد.

همان‌طور که در اقتضائات بخش تعاونی برای حل و فصل اختلاف بیان شد، همکاری در فعالیت و نیز مدیریت مشارکتی از ارکان کلیدی در فعالیت‌های این بخش است و فعالیت رکن تعاونی از همکاری اعضاء صورت می‌گیرد و مبتنی بر کمک متقابل و اشتراک مساعی آنان با یکدیگر است. توافقی بودن در شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، در ارجاع، فرایند رسیدگی و پایان رسیدگی، فضای را مهیا می‌کند که به این همکاری و همیاری خدشه‌ای وارد نشود و به اداره مشارکتی اعضاء در بخش تعاونی کمک می‌نماید؛ چرا که شرکت تعاونی برای نیل به اهداف خود که همانا رفع نیازمندی‌ها مشترک شغلی و و معیشتی و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی است، بر خودیاری و همیاری تکیه دارد و توفیق امری که به طریق تعاون انجام می‌گیرد، جزء با توافقی بودن راه حل‌ها برای حل اختلافات و نیز مشارکت با رضایت اعضاء در فرایند آن امکان‌پذیر نیست.

۲-۲. غیر تقابلی بودن^۱

با در نظر گرفتن این امر که شیوه‌های جایگزین حل اختلاف نمی‌تواند یک دادرسی تلقی شود، این پرسش به ذهن می‌آید که آیا این شیوه‌ها تقابلی است یا غیر

۱. برخی تقابلی بودن را ترافعی بودن بودن و برخی دیگر آن را تناظر نامیده اند به نظر می‌رسد در خصوص ترجمه صحیح اصطلاح «Contradictoire» از حقوق فرانسه در حقوق ما اختلاف نظر وجود دارد (بنگرید به: محسنی، ۱۳۸۹ پاورقی صفحه ۶۰).

تقابلی. تقابلی بودن را بدین مفهوم می‌دانند که در رسیدگی به دعوا، هر یک از طرفین بتواند ادعاها و ادله خود را مطرح کند و فرصت دفاع در برابر ادعاهای طرف مقابل را داشته باشد. مفهوم کلی تقابلی بودن، همان مشاجره‌ای و مجادله‌ای بودن است (سلیمی و زارع، ۱۳۹۵: ۸۵).

در شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف (با تأکید مجدد بر این که منظور ما از شیوه‌های جایگزین در این مقاله شامل داوری نمی‌باشد) اختلافات به صورت دوستانه فیصله می‌یابد. جریان‌های رسیدگی تقابلی نیست و اختلافات بر مبنای توافق طرفین حل و فصل می‌شود، اما در رسیدگی‌های قضایی یا داوری، جریان رسیدگی به صورت تقابلی و بر مبنای محاکمه‌ای جریان می‌یابد که در آن یکی از طرفین دعوا برنده و طرف دیگر بازنده می‌شود. طرفین هر یک در جریان رسیدگی تلاش می‌کنند که پیروز دعوا شوند و در اغلب اوقات میان آن‌ها یک فضای خصمانه و رابطه تهاجمی وجود دارد که فاصله و جدایی آن‌ها را از یکدیگر بیشتر می‌کند.

غير تقابلی بودن شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف این امکان را فراهم می‌کند که با حل و فصل اختلافات در فضایی غیرمجادله‌ای و دوستانه، ادامه روابط تجاری و اجرای قراردادهای مدت دار میان طرفین تضمین شود. به‌عنوان مثال در اختلافات میان همسایگان، نزدیکان و اعضای خانواده، دادگاه‌ها به صورت ظاهری و بر اساس تشریفات و قانون حکم قضیه را صادر می‌کنند، اما شیوه‌های دوستانه با کشف راه حل مرضی‌الطرفین، ادامه روابط دوستانه و دور از مناقشه را میسر می‌سازد و با در نظر گرفتن خواسته‌های دو طرف، از ایجاد منازعات احتمالی جلوگیری می‌کند (درویشی هویدا، ۱۳۸۷: ۳۵۲). در اختلافات میان تجار که روابط کاری و تجاری مستمر با یکدیگر دارند نیز حل و فصل دوستانه اختلاف در فضایی غیر تقابلی و از طریق شیوه‌های جایگزین، مانع قطع روابط طرفین می‌شود.

با در نظر گرفتن نبود سوداگری در بخش تعاونی و نیز لزوم وجود روح همکاری و همیاری در میان اعضاء تعاونی می‌توان نتیجه گرفت که اصل غیر تقابلی بودن در شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، بیشترین تناسب را با اقتضانات تعاونی برای حل و فصل اختلاف دارد. بر مبنای این اصل، اختلافات میان اعضاء تعاونی به دوستانه‌ترین نحو و به دور از هرگونه مجادله حل و فصل می‌یابد و روابط

مستمر میان اعضاء با یکدیگر و با شرکت تعاونی را دچار اختلال نمی‌کند.

۲-۳. انعطاف‌پذیری

در دادگاه‌ها اصل بر این است که قواعد رسیدگی از آغاز تا پایان به موجب قانون تعیین شود و این قواعد برای طرفین و قاضی جنبه الزامی دارد و هیچ‌یک اختیاری در تغییر آن ندارند (درویشی هویدا، ۱۳۸۷: ۲۶۰). در شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، طرفین خود نحوه رسیدگی و حل و فصل اختلافات را مشخص می‌سازند. پس از این‌که اختلاف با توافق طرفین به این شیوه‌ها ارجاع شد، رسیدگی‌ها مطابق آنچه طرفین در قرارداد ای.دی.آر بر آن توافق کرده‌اند یا مطابق توافقات بعدی جریان خواهد یافت (اسکندری، ۱۳۸۴: ۳۰)؛ لذا فرایندهای رسیدگی در شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف به‌خصوص غیرترافعی آن، در مقایسه با شیوه‌های ترافعی حل اختلاف از راحتی و انعطاف بیشتری برخوردار است.

انعطاف‌پذیری در شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف این امکان را برای طرفین و نیز شخص ثالث مانند میانجی فراهم می‌کند که متناسب‌ترین و دوستانه‌ترین قواعد را در فرایند اختلاف به کار گیرند که منطبق به ارزش‌ها و اصول تعاونی و اقتضائات آن باشد. افزون بر این، اصل انعطاف‌پذیری این امکان را به شخص ثالث مانند میانجی‌گر می‌دهد که با آزادی عمل و به کارگیری قواعد نوآورانه در فرایند حل اختلاف، هر چه سریع‌تر آن را به اتمام رساند تا به روابط مستمر اعضاء و اشخاص حقوقی تعاونی که برای ادامه فعالیت تعاونی‌ها ضروری است خدشه وارد نشود. این امر در شیوه‌های قضایی و داوری به دلیل ثابت و خشک بودن قواعد، امکان‌پذیر نیست و به عنوان مثال، داوران در بخش تعاونی این امکان را ندارند که خودسرانه جهت حل و فصل سریع‌تر اختلاف قواعد را تغییر دهند.

۳. تناسب شیوه‌های فعلی حل و فصل اختلاف در بخش تعاونی با اقتضائات

تعاون

پس از بیان و تحلیل آن‌که حسب اصول و ارزش‌های حاکم بر تعاون، بهترین شیوه حل و فصل اختلافات حادث در درون تعاونی‌ها شیوه‌های غیرترافعی جایگزین حل و فصل اختلاف می‌باشد، در این بخش با تحلیل قوانین و آیین‌نامه‌های موجود در ایران در خصوص تناسب شیوه‌های فعلی حل و فصل اختلاف با اصول و ارزش‌های

تعاون و وجود ظرفیت قانونی جهت به‌کارگیری شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف در بخش تعاونی بحث خواهد شد.

۱-۳. شیوه‌های فعلی حل و فصل اختلاف در بخش تعاونی

جهت بررسی تناسب شیوه‌های فعلی حل و فصل اختلاف در بخش تعاونی با اقتضانات تعاون، در ابتدا می‌بایست شیوه‌های فعلی حل و فصل اختلاف حسب قوانین و مقررات موجود شناخته شود. به‌طور خلاصه، در ایران اصلی‌ترین شیوه اختصاصی حل و فصل در بخش تعاونی اعم از شرکت‌ها و اتحادیه‌ها و اتاق‌های تعاون، شیوه داوری است که در بند ۹ ماده ۴۳^۱ و بند ۱۴ ماده ۵۷ قانون بخش تعاون^۲ مورد تأکید قرار گرفته است. از وظایف اتحادیه‌های تعاونی حل و فصل اختلاف و داوری می‌باشد، اما اصلی‌ترین مرجع حل و فصل اختلاف در تعاونی‌ها مرکز داوری اتاق تعاون است که داوری را به نحو سازمانی در این حوزه پیش برده و دارای آیین‌نامه در نحوه انجام داوری است. قانون‌گذار برای تخصصی‌تر شدن فرایند حل اختلاف در بخش تعاون به این ترتیب که تمامی اختلافات در این مرکز طرح شود و از ارجاع اختلافات به دادگاه‌ها که ممکن است با این حوزه آشنایی نداشته باشند جلوگیری نماید، در اصلاحات قانون بخش تعاونی در تبصره ۶ ماده ۵۷^۳ بیان نمود که ارجاع به داوری مرکز داوری اتاق تعاون باید در اساسنامه همه اشخاص حقوقی تعاونی درج شود. ضمانت اجرای این تبصره نیز در ماده ۷۶ قانون بخش تعاون آمده و مطابق آن تعاونی‌ها موظف هستند اساسنامه خود را ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون با آن تطبیق داده و تغییرات اساسنامه خود را به عنوان تعاونی به

۱. ماده ۴۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: «اتحادیه‌های تعاونی با عضویت شرکت‌ها و تعاونی‌هایی که موضوع فعالیت آنها واحد است برای تأمین تمام و یا قسمتی از مقاصد زیر تشکیل می‌گردد: ... ۹- حل اختلاف و داوری در محدوده امور مربوط به تعاونی‌ها به‌صورت کدخدامنشی و صلح اعضاء تعاونی‌ها».

۲. ماده ۵۷ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (اصلاحی ۱۳۹۳): «به‌منظور تأمین مقاصد زیر اتاق‌های تعاون شهرستان، استان و ایران تشکیل می‌گردد ... ۱۴- داوری در امور حرفه‌ای بین اشخاص حقوقی بخش تعاونی با یکدیگر و یا با سایر اشخاص حقیقی و حقوقی و نیز بین هر شخص حقوقی بخش تعاونی با اعضایش از طریق مرکز داوری اتاق».

۳. تبصره ۶ ماده ۵۷ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: «نحوه تشکیل و فعالیت مرکز داوری اتاق تعاون بر اساس آیین‌نامه‌ای است که به‌تصویب مجمع عمومی اتاق تعاون ایران می‌رسد. ارجاع به داوری اتاق تعاون باید در اساسنامه همه اشخاص حقوقی تعاونی درج شود».

ثبت برسانند و در غیر این صورت، تعاونی شناخته نمی‌شوند و نمی‌توانند از مزایای شرکت‌های تعاونی استفاده نمایند (رستمی و تقی‌پور: ۱۴۰۲: ۱۶۹).

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا با وجود شرط ارجاع اختلافات به مرکز داوری اتاق تعاون در اساسنامه اشخاص حقوقی تعاونی، در صورت رجوع طرفین اختلاف به دادگاه، آیا قاضی می‌تواند رسیدگی کند. علاوه بر الزام قانون‌گذار مبنی بر ارجاع اختلافات به مرکز داوری اتاق تعاون توسط تعاونی‌ها مطابق تبصره ۶ ماده ۵۷ قانون بخش تعاونی، بر اساس بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۱۳۰۳۹/۱۰۰ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۰ رئیس قوه قضاییه،^۱ مراجع قضایی ملزم به ارجاع پرونده‌های با موضوع تعاون به داوری شده‌اند. به علاوه ماده ۴ آیین‌نامه داوری اتاق تعاون ایران در این خصوص مقرر داشته است: «کلیه اشخاص موضوع این آیین‌نامه به‌عنوان طرفین اختلاف که به‌موجب اساسنامه مورد عمل موظف به ارجاع اختلافات خود به داوری شده‌اند باید بر اساس مقررات حاضر، اختلافات خود را اعم از این که در مراجع قضایی طرح نشده و یا در صورت طرح شدن، دعوای خود را در هر مرحله از رسیدگی باشد مسترد نماید و به مرجع داوری مورد توافق ارجاع دهند».

طبق بند ۳ ماده ۴۱ قانون بخش تعاون^۲ و مطابق بند ۱۷ ماده ۶۶ قانون بخش تعاونی^۳ و قسمت و بند ۲ دستورالعمل نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات وزارت تعاون،^۴ پیش از مراجعه به داوری، مراجعی نظیر بازرسان تعاونی‌ها و وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی جهت حل و فصل اختلاف و رسیدگی به شکایات پیش‌بینی شده است، اما کارکرد حل اختلاف این دو مرجع اولیه، بیشتر جنبه نظارتی دارد و تخلفات و شکایت پس از طرح در دو مرجع فوق، به‌عنوان مثال به هیأت مدیره یا مجامع عمومی شرکت‌ها و در نهایت به دادگاه صالح ارسال می‌شود و این دو مرجع

۱. «... مقتضی است قضات محترم در صورت ارجاع پرونده‌های مربوط به شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی، پیش از رسیدگی قضایی و با احراز شرایط لازم، موضوع اختلاف را به داوری ارجاع دهند».

۲. ماده ۴۱ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: «وظایف بازرس یا بازرسان تعاونی به شرح زیر است ... ۳- رسیدگی به شکایات اعضای و ارائه گزارش به مجمع عمومی و مراجع ذی‌ربط».

۳. ماده ۶۶ قانون بخش تعاونی: «وظایف و اختیارات وزارت تعاون عبارت است از ... ۱۷- حسابرسی از تعاونی‌ها در صورت تقاضا و شکایت‌های اعضای در حدود امکانات».

۴. قسمت و بند ۲ دستورالعمل نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات وزارت تعاون: «عناوین امور نظارتی که ادارات کل تعاون استان‌ها در چارچوب برنامه عملیاتی و متناسب با امکانات و اعتبارات خود مکلف به انجام آن می‌باشند عبارتند از ... و- رسیدگی به شکایات».

متضمن یک شیوه حل و فصل اختلاف مجزا نیست.

افزون بر شیوه‌های فوق، در آیین‌نامه مرکز داوری اتاق تعاون ایران اصلاحی ۱۳۹۷ داوران مرکز داوری دارای اختیار صلح و سازش می‌باشند و در بند ۱ ماده ۲ آیین‌نامه، داوران تشویق شده‌اند که ترجیحاً داوری و حل و فصل را با رویکرد صلح و سازش انجام دهند.^۱ مطابق مواد ۱۰۳ و ۱۰۴ این آیین‌نامه^۲ چنانچه طرفین اختلافات خود را از طریق سازش فیصله دهند، شرایط سازش و نحوه فیصله دعوا به صورت گزارش اصلاحی تنظیم و گزارش اصلاحی صادر می‌شود که قطعی و لازم‌الاجرا است. از طرفی، آیین‌نامه مرکز داوری اتاق تعاون ایران یکی از وظایف رئیس مرکز داوری اتاق تعاون را در بند ۱۰ ماده ۲۷ مساعدت در حل و فصل اختلافات از طریق غیر داوری، از قبیل ایجاد صلح و سازش و کارشناسی قرار داده است.

در نتیجه با ملاحظه قوانین و مقررات و رویه عملی به‌کار رفته در این حوزه می‌توان بیان داشت که اصلی‌ترین شیوه حل و فصل اختلاف در تعاونی‌ها، در ابتدا داوری و در نهایت رسیدگی در دادگاه است و به شیوه‌های غیر ترافعی حل و فصل اختلاف توجه نشده و شیوه‌های فعلی در نظر گرفته شده در قانون نیز با اصول، ارزش‌ها و اقتضائات تعاون مطابق و هم‌سو نیست.

۲-۳. داوری کدخدامنشی در اتحادیه‌های تعاونی

در حال حاضر رویکرد عملی تعاون‌گران در رسیدگی به اختلافات درون تعاونی‌ها، به سمت شیوه‌های ترافعی بالاخص داوری می‌باشد. یکی از مباحث مهم، تحلیل و بررسی ظرفیت قانونی برای به‌کارگیری شیوه‌های غیرترافعی جایگزین حل و فصل اختلاف در بخش تعاونی می‌باشد؛ به‌خصوص آن‌که روش‌های غیر ترافعی به دلیل تأکید قانون بر لفظ داوری و عدم تصریح به شیوه‌های غیر ترافعی جایگزین حل و فصل اختلاف، مورد اقبال قرار نگرفته است. مطابق بند ۹ ماده ۴۳ قانون بخش تعاونی حل اختلاف و داوری در محدوده امور مربوط به تعاونی‌ها به‌صورت

۱. ماده ۲ آیین‌نامه مرکز داوری اتاق تعاون ایران: «اهداف تشکیل و فعالیت مرکز داوری عبارتند از: بند ۲/۱- ترویج داوری و حل و فصل اختلافات ترجیحاً با رویکرد صلح و سازش».

۲. ماده ۱۰۳: «چنانچه طرفین در جریان رسیدگی، اختلافات خود را از طریق سازش فیصله دهند، داور به درخواست طرفین مراتب وقوع سازش را همراه با شرایط سازش و نحوه فیصله دعوی، به صورت گزارش اصلاحی تنظیم و گزارش اصلاحی صادر می‌نماید»؛ ماده ۱۰۴: «گزارش اصلاحی که به صورت فوق صادر می‌شود، برای طرفین قطعی و لازم‌الاجرا است».

کدخدامنشی و صلح اعضای تعاونی‌ها، یکی از وظایف اتحادیه‌های تعاونی است. منظور از داوری کدخدامنشی که در این بند جای تأمل دارد؛ آیا منظور قانون‌گذار، داوری کدخدامنشی به عنوان یکی از اقسام داوری در حل و فصل اختلاف به‌عنوان یک شیوه خاص بوده است یا داوری قانونی مذکور در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دیگر قوانین مورد نظر بوده است؟

۱-۲-۳. داوری کدخدامنشی^۱

با توجه به ناسازگاری داوری بر مبنای کدخدامنشی و انصاف با فرهنگ و حقوق سنتی ایران، حقوق‌دانان به این نوع داوری شکل دیگری داده و از آن به داوری با اختیار صلح یاد کرده‌اند (صفایی، ۱۳۸۸: ۲۹). اصطلاح داوری با اختیار صلح در ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸^۲ و ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب^۳ به‌کار رفته است. در داوری کدخدامنشی، داور مکلف به رعایت قانون نیست و می‌تواند بر مبنای موازین و ملاحظات منصفانه تصمیم گیرد و به مقرره‌های دقیق و انعطاف‌ناپذیر قانونی پای‌بند نیست (Btaszczak & Kolber, 2013: 190)، بلکه می‌تواند مفهوم عدالتی را که از قواعد قانونی ناشی می‌شود و حتی امکان دارد با آن مخالف باشد، در حل اختلاف‌ها اتخاذ کند تا بتواند بهترین، نزدیک‌ترین و قابل قبول‌ترین راه را برای حل مناقشات به‌کارگیرد؛ بنابراین در این نوع داوری، هدف و نتیجه مورد نظر اهمیت دارد (شهبازی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۷۵-۲۷۴) و هدف این است که اعمال قانون به نتیجه غیرمنصفانه منجر نشود و نتیجه داوری منطبق با انصاف باشد (خدابخشی، ۱۳۹۷: ۶۶۰).

به نظر برخی، داورانی که اختیار صلح دارند، همانند داوری کدخدامنشی مکلف به اجرای قواعد حقوقی نیستند و می‌توانند بر اساس انصاف اختلاف را

1. Amiable composition.

۲. ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸: «در صورتی که داورها اختیار صلح داشته باشند می‌توانند دعوی را به صلح خاتمه دهند در این صورت صلح‌نامه‌ای که به امضای داورها رسیده باشد قابل اجراء خواهد بود».

۳. ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹: «در صورتی که داوران اختیار صلح داشته باشند می‌توانند دعوا را با صلح خاتمه دهند. در این صورت صلح‌نامه‌ای که به امضای داوران رسیده باشد معتبر و قابل اجراء است».

فیصله داده و تنها ملاحظات منصفانه را مبنای رأی قرار دهند (شمس، ۱۳۸۷: ۵۴۹؛ شهبازی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸۳). با توجه به تعریفی که از داوری کدخدامنشی ارائه شد و نص ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی می‌توان این نظر را مردود دانست؛ زیرا مطابق ماده ۴۸۳ در داوری با اختیار صلح، داوران بر مبنای وظیفه اصلی خود دعوا را فیصله می‌دهند یا طبق قانون رأی صادر می‌کنند و یا بر اساس اختیاری که در موافقت‌نامه داوری برای صلح و سازش به آن‌ها داده شده، در صورت موافقت طرفین، دعوا را به صلح ختم می‌دهند و در نهایت صلح‌نامه را امضاء نموده و به آن قدرت اجرایی می‌دهند. لذا در داوری موضوع ماده ۴۸۳ رأی به صرف انصاف و با امکان تعدیل در قوانین و مقررات صادر نمی‌شود، بلکه داور می‌تواند طرفین را به صلح سوق داده و بر مبنای آن رأی اصلاحی و یا گزارش اصلاحی صادر کند. طرفین نیز الزامی به پذیرش صلح‌نامه نداشته و این سازش کاملاً بر مبنای توافق طرفین صورت می‌پذیرد. بر خلاف داوری کدخدامنشی که رأی صادره از سوی داور کدخدامنش با عنایت به وجود موافقت‌نامه داوری، بدون نیاز به توافق بعدی طرفین نسبت به آن‌ها صادر و برای ایشان الزام‌آور است. اداره حقوقی قوه قضاییه به موجب نظریه مشورتی به تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۲ در خصوص پذیرش داوری کدخدامنشی در حقوق ایران، اعلام داشته است: «اگرچه برابر بند ۳ ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی، طرفین می‌توانند به داور اختیار تصمیم‌گیری بر اساس عدل و انصاف یا به صورت کدخدامنشانه را اعطاء نمایند، اما در داوری‌های داخلی چنین امری پیش‌بینی نشده است و با توجه به اطلاق بند یک ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی که بیان می‌دارد رأی داوری در صورتی که مخالف با قوانین موجد حق باشد باطل است؛ به نظر می‌رسد امکان آن در داوری داخلی وجود ندارد».

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت داوری به صورت کدخدامنشی که در بند ۹ ماده ۴۳ قانون بخش تعاونی به آن اشاره شده است، با داوری کدخدامنشی که داور بر اساس انصاف و عدالت رأی می‌دهد متفاوت است؛ چراکه: اولاً، این نوع داوری در حقوق ایران به عنوان نوع خاصی از داوری شناسایی نشده است و به نظر نمی‌رسد قانون بخش تعاونی محلی باشد که در آن قانون‌گذار به یک‌باره موضوع به

این با اهمیتی را بپذیرد؛ بدون آن که آن را تعریف و فرایند و ابعاد آن را تبیین کند؛^۱ ثانیاً، در بند ۹ ماده ۴۳ آمده است: «حل اختلاف و داوری در محدوده مربوط به تعاونی‌ها به صورت کدخدامنشی و صلح اعضاء تعاونی‌ها» و از درج عبارت «صلح اعضاء تعاونی‌ها» در کنار اصطلاح «کدخدامنشی» بودن در این بند، می‌توان نتیجه گرفت که برای قانون‌گذار حل و فصل دوستانه اختلاف موضوعیت داشته که در آن داور (شخص واسط) می‌بایست اختلاف را با صلح و سازش فیصله دهد. در واقع قانون‌گذار در کاربرد واژه کدخدامنشی در این بند، به معنای لغوی آن نظر داشته است و معنای اصطلاحی آن به عنوان یک نوع داوری خاص در علم حقوق مورد نظر نبوده است؛ بنابراین داوری به‌نحو کدخدامنشی در اتحادیه‌های تعاونی موضوع بند ۹ ماده ۴۳ به معنای اصطلاحی آن به عنوان یکی از انواع داوری نمی‌باشد.

۲-۲-۳. داوری قانونی^۲

در این نوع داوری، تصمیم‌گیری و صدور رأی مطابق با قوانین و مقررات، یک قاعده اصلی به حساب می‌آید (Trakman, 2008: 5). به نظر نمی‌رسد که داوری مذکور در بند ۹ ماده ۴۳ این نوع داوری باشد که در باب هفتم قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی تبیین شده است. به کارگیری عبارت کدخدامنشی به عنوان روش داوری و نیز صلح اعضاء، نشان دهنده آن است که قانون‌گذار داوری قانونی را که از آن در همه قوانین با عنوان «داوری» یاد می‌کند مورد نظر نداشته است. این مطلب از بند ۱۴ ماده ۵۷ قانون بخش تعاونی نیز قابل استنباط است؛ چرا که در این بند جهت محول کردن وظیفه داوری بخش تعاون به

۱. به نظر می‌رسد چنانچه طرفین به موجب قرارداد در خصوص داوری کدخدامنشی توافق کرده و به داور چنین اختیاری را اعطا نمایند و در موافقت‌نامه خود صراحتاً تبیین نمایند که منظور از داوری کدخدامنشی چه بوده و موجب تمایز آن از میانجی‌گری گردند، انجام این نوع داوری بلاشکال است؛ چرا که از سوی قانون‌گذار معنی بر خلاف توافق اشخاص برای انجام این نوع داوری مشاهده نمی‌شود. اگرچه همان‌طور که در ادامه مورد اشاره قرار خواهد گرفت، بسیاری از محاکم قید داوری کدخدامنشی در موافقت‌نامه‌های داوری را برابر با میانجی‌گری تلقی می‌نمایند که تحت آن شخص واسط حق صدور رأی را نداشته و تنها امکان صلح و سازش دارد و آراء صادره در این روش را باطل می‌نمایند. لذا تبیین دقیق عبارت داوری کدخدامنشی در موافقت‌نامه داوری و تمیز آن از سایر روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف برای قابل پذیرش بودن آن در محاکم بسیار پر اهمیت است.

2. Arbitration.

نحو قانونی به اتاق‌های تعاون، از عبارت «داوری» استفاده شده است؛ لذا اگر قصد قانون‌گذار این بود که دآوری قانونی را جزء وظایف اتحادیه‌های تعاونی قرار دهد، از همین عبارت بدون اضافه کردن الفاظی مثل کدخدامنشی و صلح اعضاء استفاده می‌کرد. از سوی دیگر، دآوری کدخدامنشی که در بند ۹ ماده ۴۳ قانون بخش تعاونی بیان شده، با دآوری با اختیار صلح و سازش مذکور در ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی متفاوت است؛ چرا که در دآوری مذکور، اختیار صلح از سوی طرفین به داور داده می‌شود تا اگر امکان‌پذیر بود و طرفین نیز رضایت دادند، آنان را به سازش برساند و در غیر این صورت، وظیفه اصلی خود را انجام داده و مطابق قواعد دآوری رأی صادر کند، اما در دآوری کدخدامنشی موضوع بند ۹، داور صرفاً می‌تواند طرفین را به صلح برساند و نمی‌تواند مطابق قواعد دآوری حکم صادر کند. قانون‌گذار در این بند دآوری به نحو صرفاً کدخدامنشی را که همان صلح و سازش است، به اتحادیه‌های تعاونی محول کرده و راه را برای دآوری قانونی که در آن داور می‌تواند رأی صادر کند بسته است. این مطلب در ردیف الف بند ۱۶ ماده ۱ آیین‌نامه دآوری اتاق تعاون ایران مورد تأکید قرار گرفته است و مطابق آن، نتیجه دآوری در اتحادیه‌های تعاونی صرفاً باید با رضایت طرفین اختلاف باشد و طرفین برای گرفتن رأی دآوری تنها می‌توانند به مرکز دآوری اتاق تعاون مراجعه کنند. از سوی دیگر، مطابق بند ۱۴ ماده ۵۷ وظیفه دآوری قانونی در بخش تعاونی تنها به مراکز دآوری اتاق تعاون محول شده است.

با توجه به توضیحات بیان شده، به نظر می‌رسد قانون‌گذار در کاربرد واژه دآوری در بند ۹ ماده ۴۳، معنی لغوی دآوری یعنی حکمیت را مد نظر داشته است و مقصود، حل اختلاف با حضور حکم به نحو کدخدامنشی بوده است. افزون بر این، قانون‌گذار با استفاده از لفظ دآوری، حضور شخص ثالث را در این فرایند جهت کمک به حل و فصل اختلاف لازم دانسته است.

۳-۲-۳. میانجی‌گری

مطابق با تفاسیر مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که مقصود از دآوری کدخدامنشی مصرح در بند ۹ ماده ۴۳ همان شیوه میانجی‌گری به عنوان یکی از شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف می‌باشد؛ چرا که میانجی‌گری روشی است

که طرفین اختلاف با پادرمیانی و مساعدت شخص ثالث مشکلات و اختلافات موجود خود را حل می‌کنند. این شیوه کاملاً منطبق با تفسیری است که از بند ۹ ماده ۴۳ می‌شود. در این شیوه شخص ثالث تنها می‌تواند طرفین را با روشی کاملاً دوستانه و ارائه راه حل‌های کاربردی به حل و فصل و سازش سوق دهد و طرفین در پذیرش نتیجه فرایند حل اختلاف کاملاً مختار هستند و می‌توانند آن را نپذیرند. این نظر در آیین‌نامه مرکز داوری اتاق ایران نیز به‌نحوی مورد تأیید قرار گرفته است و به موجب ردیف الف بند ۱۶ ماده ۱ آیین‌نامه مذکور، در صورت اختلاف میان تعاونی و اعضاء آن و یا بین تعاونی و سایر شرکت‌های تعاونی با موضوع فعالیت مشابه، عدم حصول نتیجه داوری به صورت کدخدامنشی در اتحادیه‌های تعاونی، شرط پذیرش داوری در اتاق تعاون شهرستان، استان یا ایران بیان شده است. همان‌طور که می‌دانیم در صورت ارجاع به داوری کدخدامنشی (به مفهوم اصلی خود) و نیز داوری با اختیار صلح در ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، داور فارغ از این‌که طرفین تمایل داشته باشند یا چنین نباشد، در پایان رسیدگی، در یکی بر اساس انصاف و دیگری بر اساس قانون رأی الزام‌آور صادر می‌کند؛ بنابراین عبارت عدم حصول نتیجه در این ماده بیان‌گر آن است که نویسندگان این آیین‌نامه، داوری کدخدامنشی به معنای میانجی‌گری را در نظر داشته‌اند که در آن اختلاف با وساطت یک نفر و یا توافق طرفین به صلح و سازش می‌رسد؛ اگرچه تضمینی نیز در به نتیجه رسیدن فرایند حل اختلاف در آن نمی‌باشد؛ زیرا نتیجه فرایند میانجی‌گری باید به تأیید هریک از طرفین برسد.

برخی محاکم داوری کدخدامنشی را به معنای داوری با اختیار صلح و سازش یا داوری عادی گرفته‌اند، اما رویه غالب دادگاه‌ها در حال حاضر، تفسیر داوری کدخدامنشی به معنای میانجی‌گری است؛ به عنوان مثال، در دادنامه شماره ۸۷۴ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۶ صادره از شعبه ۲۰۶ دادگاه عمومی تهران، در دعوی با خواسته ابطال رأی داور اتاق تعاون، قاضی در استدلال رأی خود بیان نموده است «... به دلالت بند ۳ ماده ۵۷ قانون بخش تعاون (پیش از اصلاح)^۱ داوری مقرر در این ماده به‌صورت

۱. قبل از اصلاح قانون بخش تعاونی در سال ۱۳۹۳، به موجب بند ۳ ماده ۵۷، وظیفه داوری کدخدامنشی بر عهده اتاق تعاون نیز گذاشته شده بود و تنها تفاوت آن با اتحادیه‌های تعاونی، صلاحیت گسترده‌تر اتاق‌های تعاون در حل و فصل اختلاف بود.

کدخدامنشی و میانجی‌گری بوده و ناظر به داوری مقرر در فصل هفتم قانون آیین دادرسی مدنی نیست...^۱ در دادنامه دیگری به شماره ۴۰۱-۱۳۹۲/۴/۳۱ دادگاه در دعوی اقامه شده مبنی بر ابطال رأی داوری بیان داشته است که «... مطابق بند ۳ ماده ۵۷ (قانون بخش تعاون) داوری اولاً، اختیاری است و ثانیاً، داور وظیفه‌ای بیش از کدخدامنشی و صلح میان اعضا ندارد که به نظر می‌رسد این نوع داوری با داوری مندرج در باب هفتم قانون آیین دادرسی مدنی از (موضوع داوری) متفاوت می‌باشد... و داور برابر با ماده استنادی، اختیاری بیشتر از کدخدامنشی و صلح ندارد؛ در حالی که رأی داور فراتر از اختیارات قانونی می‌باشد؛ بنابراین دادگاه دعوی اقامه شده را بر مبنای آنچه که صرفاً اشارت شد، متکی به دلیل دانسته و به استناد ماده مندرج در متن رأی موضوع بحث را باطل اعلام می‌نماید».^۲ در رأی دیگر با شماره دادنامه ۱۲۸۱/۲۲۱۵۰۲۹۷۰۹۱۰ و تاریخ ۱۳/۱۰/۱۳۹۱ آمده است: «با توجه به این که مطابق ماده ۱۶۶ اساسنامه شرکت تعاونی طرف اختلاف و نیز بند ۳ ماده ۵۷ قانون بخش تعاون (قبل از اصلاح) صلاحیت داوری اتاق تعاون مبنی بر صلح و سازش و کدخدامنشی بوده، داور نمی‌تواند رأی صادر کند».^۳ با در نظر گرفتن این استدلال، قانون‌گذار با پیش‌بینی داوری کدخدامنشی اتحادیه‌های تعاونی یک ظرفیت قانونی برای به‌کارگیری شیوه‌های غیر ترافیعی جایگزین حل و فصل اختلاف در بخش تعاون در نظر گرفته است که منطبق با اصول و ارزش‌های تعاونی و می‌بایست توسط تعاون‌گران به‌کار گرفته شود.

۴. ضرورت و بایسته‌های اعمال شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف

نبود یک دستورالعمل یا آیین‌نامه منسجم با قابلیت انعطاف در خصوص نحوه اعمال شیوه‌های غیر ترافیعی از جمله میانجی‌گری، از عوامل عدم رغبت تعاون‌گران به این شیوه‌های حل و فصل می‌باشد، اما اصلی‌ترین خلاء در قوانین فعلی و علت عدم تمایل تعاون‌گران به این روش‌های حل و فصل، نبود ضمانت اجرا برای موافقت‌نامه‌های ناشی از آن‌ها می‌باشد. داوری کدخدامنشی اتحادیه‌های تعاونی در واقع همان میانجی‌گری می‌باشد و شخص واسطه حق صدور رأی ندارد. در نتیجه

1. www.raay.ijri.ir/Judge/text/7872.

2. www.raay.ijri.ir/Judge/text/6612.

3. www.raay.ijri.ir/Judge/text/557.

نمی‌توان به استناد ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مدنی برای امضاء او ارزشی مانند امضاء داور قائل گردید. در ماده ۴۸۳ آمده است: «در این صورت صلح‌نامه‌ای که به امضاء داوران رسیده باشد معتبر و قابل اجراست»؛ لذا لازمه معتبر شدن صلح‌نامه، امضاء شخص داور است. داور به معنای آن چیزی که در باب هفتم قانون آیین دادرسی مدنی بیان شده، کسی است که درباره موضوعی که به ارجاع او شده قضاوت کند و در مورد این که حق با چه کسی است اظهار نظر نماید (شیروی، ۱۳۹۴: ۱۰). در داوری کدخدامنشی اتحادیه‌های تعاونی، شخص واسط همچین وظیفه‌ای ندارد و تنها مسئولیت او کمک به طرفین برای رسیدن به صلح و سازش است؛ بنابراین امضای وی به موجب قوانین فعلی ایران فاقد ارزش است. در نتیجه اگر طرفین به نتیجه داوری کدخدامنشی که در واقع مفهوماً همان میانجی‌گری است به توافقی دست پیدا کنند، این توافق‌نامه ارزشی بیش از یک قرارداد ندارد و طرفین تنها می‌توانند به موجب قواعد عمومی قراردادها یکدیگر را ملزم به رعایت مفاد آن نمایند. موضوع قوی نبودن ضمانت اجرای موافقت‌نامه‌های حل و فصل^۱ یکی از موانع اصلی رشد این شیوه حل و فصل در حقوق ایران است. از راهکارهای پر کردن خلاء پیش گفته، الگوگیری از کنوانسیون سنگاپور و پیاده‌سازی نمونه‌ای مانند آن در حقوق و قوانین داخلی است. کنوانسیون میانجی‌گری سنگاپور^۲ معاهده چند جانبه‌ای است که توسط کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (آنسیترال) تنظیم گردید. این کنوانسیون چارچوب و قواعد مشخصی را برای شناسایی و اجرای موافقت‌نامه‌های حل و فصلی که از فرایند میانجی‌گری به دست می‌آید فراهم نموده است (Herisi, 2019: 156). متن این کنوانسیون در پاسخ به خلاء بزرگ شیوه میانجی‌گری که همان عدم الزام‌آوری موافقت‌نامه‌های حل و فصل اختلاف ناشی از آن و عدم ضمانت اجرای قوی برای اجرای آنان است، در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب شد (CHUA, 2019: 2).

با توجه به این که کنوانسیون سنگاپور توسط دولت جمهوری اسلامی ایران در ۱۶ مرداد ۱۳۹۸ به امضاء رسیده است و با در نظر گرفتن فقدان قوانین مشخص

1. Settlement Agreement.

2. The Singapore Convention on Mediation (also known as the United Nations Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation).

در خصوص اجرا و نیز وضعیت حقوقی موافقت‌نامه‌های حل و فصل اختلاف در حقوق داخلی از جمله در مورد میانجیگری اتحادیه‌های تعاونی و از سوی دیگر اهتمام نظام قضایی به گسترش شیوه‌های دیگر حل و فصل اختلاف برای کاهش تورم پرونده نیاز است که چارچوب قانونی مشخصی برای اجرای موافقت‌نامه‌های ناشی از میانجی‌گری در ایران به تصویب برسد. ماده ۳ کنوانسیون سنگاپور دو اصل مهم حاکم بر موافقت‌نامه‌های حل و فصل ناشی از میانجی‌گری را بیان می‌دارد که می‌بایست در قوانین داخلی جهت رفع مشکل ضمانت اجرای موافقت‌نامه‌های داوری مورد نظر قرار گیرد: نخست، لازم الاجرا بودن؛ و دوم، اعتبار امر مختوم.^۱

۴-۱. لازم‌الاجرا بودن

یکی از مهم‌ترین امتیازات و نیز ابداعات کنوانسیون سنگاپور، اعطای ویژگی منحصر به فرد و خاص به موافقت‌نامه‌های حل و فصل ناشی از میانجی‌گری است. این کنوانسیون موافقت‌نامه‌ها را از چیزی که صرفاً تحت حاکمیت حقوق قراردادها بوده است، به عمل حقوقی تبدیل می‌کند که قابل قیاس با احکام دادگاه و داوری بوده و یک چارچوب حقوقی الزام‌آور در سطح بین‌المللی می‌شود. از آنجا که این موافقت‌نامه‌ها لازم‌الاجرا می‌باشند، طرفین اختلاف می‌توانند به طور مستقیم اجرای آن‌ها را از دادگاه مطالبه کنند و لازم نیست مطابق حقوق قراردادها، در صورت عدم انجام تعهد از سوی متعهد، دعوای الزام او را به انجام تعهد در دادگاه مطرح کنند (Schnabel, 2019: 11).

لازم‌الاجرا بودن موافقت‌نامه‌های حل و فصل ناشی از میانجی‌گری به تصریح در بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون و ماده ۱۵ قانون نمونه آنسیترال آمده است. مطابق بند ۱ ماده ۳: « موافقت‌نامه حل و فصل می‌بایست مطابق قواعد کاری و اجرایی کشور متبوع و مطابق شرایط مقرر در این کنوانسیون اجرا شود». ماده ۱۵ قانون نمونه نیز

1. Article 3:1. Each Party to the Convention shall enforce a settlement agreement in accordance with its rules of procedure and under the conditions laid down in this Convention. 2. if a dispute arises concerning a matter that a party claims was already resolved by a settlement agreement, a Party to the Convention shall allow the party to invoke the settlement agreement in accordance with its rules of procedure and under the conditions laid down in this Convention, in order to prove that the matter has already been resolved.

بیان می‌دارد: «اگر طرف‌ها به یک موافقت‌نامه حل و فصل اختلاف دست پیدا کردند، این موافقت‌نامه لازم‌الاتباع و قابل اجرا است».

۲-۴. اعتبار امر قضاوت شده

به موجب کنوانسیون سنگاپور، موافقت‌نامه حل و فصل که ناشی از میانجی‌گری باشد، تنها به‌عنوان یک دلیل در کنار دیگر دلایل‌ها برای رد دعوا مطرح نمی‌شود، بلکه با طرح مجدد دعوا از سوی یک طرف اختلاف، طرف دیگر با ارائه موافقت‌نامه حل و فصل می‌تواند ایراد امر قضاوت شده را مطرح کند و خواستار رد دعوا باشد (CHUA, 6: 2019) به عبارت دیگر، اگر طرفین اختلاف خود را از طریق میانجی‌گری حل و فصل کنند و سپس یکی از آنان بخواهد در خصوص تمام یا بخشی از اختلافی که قبلاً از طریق میانجی‌گری حل و فصل شده، مجدد طرح دعوا کند، طرف دیگر می‌تواند به استناد موافقت‌نامه حل و فصل، رد دعوا را از سوی دادگاه درخواست نماید. ملاک قراردادن این دو اصل در خصوص نتیجه رسیدگی در شیوه‌های غیر ترافیعی جایگزین حل و فصل اختلاف در حقوق ایران دارای پیشینه است؛ از جمله، به موجب ماده ۴ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک و هم‌چنین تبصره یک ماده واحده قانون نحوه تقویم ابنیه و املاک و اراضی مورد نیاز شهرداری‌ها، نظریه‌های هیأت کارشناسی قطعی و لازم‌الاجرا دانسته شده است. هم‌چنین بر اساس تبصره ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی احکام مستند به رأی یک یا چند کارشناس که طرفین کتباً رأی آنان را قاطع دعوا قرار داده باشند قابل تجدید نظر نیست (ساردوئی نسب و نامدار، ۱۴۰۰: ۱۰۱).

برآمد

۱- با عنایت به ماهیت ویژه بخش تعاونی و اقتضانات آن از قبیل اقتضاء همکاری و همدلی میان اعضاء، سودمحور نبودن و مشارکتی و دموکراتیک بودن تعاونی‌ها، تعاونی‌ها برای حل و فصل اختلافات اقتضانات مخصوص به خود را داشته و شیوه‌های حل و فصل اختلاف در این بخش باید مبتنی بر اصول و ارزش‌های تعاون بوده و مغایر با اهداف و مبانی تعاونی نباشد؛ به روابط مستمر اعضاء خدشه‌ای وارد نسازد و در راستای افزایش همکاری و همیاری میان آنان باشد تا بخش تعاون بتواند هرچه بهتر به اهداف خود نایل شود.

۲- شیوه‌های غیر ترافی جایگزین حل و فصل اختلاف به بهترین نحو مبتنی بر اقتضانات بخش تعاون بوده و نسبت به روش‌های قضایی و داوری رجحان دارد. بند ۹ ماده ۴۳ قانون بخش تعاونی ظرفیت قانونی به‌کارگیری شیوه میانجی‌گری به‌عنوان یکی از شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف را در بخش تعاون فراهم کرده است.

۳- عدم آشنایی تعاون‌گران با مفهوم میانجی‌گری، نبود قواعد منسجم در خصوص این روش و نیز نبود ضمانت اجرای قوی برای اجرای توافق‌نامه‌های ناشی از میانجی‌گری موجب شده است که این شیوه به ندرت در بخش تعاونی به‌کار گرفته شود.

۴- پیشنهاد می‌شود با الگوگیری از کنوانسیون میانجی‌گری سنگاپور، در حقوق داخلی شیوه اجرای موافقت‌نامه‌های ناشی از میانجی‌گری وضع شود. به‌موجب این کنوانسیون، موافقت‌نامه‌های ناشی از میانجی‌گری لازم‌الاجرا بوده و مانند آراء محاکم یا داوری دارای اعتبار امر قضاوت شده است. ورود این‌گونه قواعد به حقوق داخلی، به‌کارگیری شیوه‌های غیر ترافی حل و فصل اختلاف را در بخش تعاونی افزایش خواهد داد.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * اسکندری، امیرمحمد (۱۳۸۴)، «نقش تکمیلی روش‌های حل اختلاف جایگزین ADR در حل و فصل دعاوی مربوط به ضمان قهری و خسارت»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، سال ۵۷، شماره ۱۹۱.
- * خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۷)، «گذری بر داوری مبتنی بر انصاف و کدخدانمنشی در حقوق تطبیقی»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۸، شماره ۴.
- * درویشی هویدا، یوسف (۱۳۸۷)، «شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف (ADR)»، رساله دکتری دانشگاه تهران.
- * رستمی، محمد و تقی‌پور، بهرام (۱۴۰۲)، «داوری اختلافات درون‌شرکتی؛ مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و انگلستان»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۳.
- * ساردوئی‌نسب، محمد و نامدار، سعید (۱۴۰۰)، «بررسی ویژگی‌های تصمیم‌کارشناسی در حل و فصل اختلافات صنعت نفت و گاز و نحوه اجرای آن در محاکم قضایی ایران»، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۷، شماره ۱.
- * ساردوئی‌نسب، محمد و آقامحمدی، شاهین (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی امکان انجام فعالیت‌های تجارتي در قالب شرکت تعاونی با تکیه بر رویکردهای اتحادیه بین‌المللی تعاون (ICA)»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲.
- * ساردوئی‌نسب، محمد (۱۳۸۸)، «نگرشی بر مبانی نظری حقوق تعاون در ایران»، حقوق خصوصی، سال ششم، شماره ۱۵.
- * سلیمی، محسن و زارع، مهدی (۱۳۹۵)، «درآمدی بر میانجی‌گری در اختلافات بازرگانی»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره ۱۲، شماره ۳۰.
- * شمس، عبدالله (۱۳۸۷)، «آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، جلد سوم، چاپ دوازدهم، تهران: دراک.
- * شهبازی‌نیا، مرتضی و جعفری، فیض‌الله و حمیدیان، فاطمه (۱۳۹۶)، «تحلیل مفهومی داوری بر مبنای انصاف و نهادهای مرتبط»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۲۷، شماره ۲.

* شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۴)، *داوری تجاری بین‌المللی*، چاپ پنجم، تهران: سمت.

* شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳)، *حقوق تجارت بین‌الملل*، چاپ هفتم، تهران: سمت.

* صفایی، سیدحسین (۱۳۸۸)، «*داوری بر اساس انصاف و داوری با اختیار صلح*»، در: مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران، به اهتمام: محمد کاکاوند، تهران: شهر دانش.

* طالب، مهدی (۱۳۹۱)، *اصول و اندیشه‌های تعاونی*، چاپ هفتم، تهران: دانشگاه تهران.

* مجتهد، داوود (۱۳۸۱)، «*بررسی علل بروز اختلاف و مدیریت تعارض در شرکتهای تعاونی*»، دانش مدیریت، سال پانزدهم، شماره ۵۷.

* محسنی، حسن (۱۳۸۹)، *اداره جریان دادرسی مدنی*، چاپ نخست، تهران: شرکت سهامی انتشار.

* نظام‌الملکی، جعفر (۱۴۰۱)، «*ارزیابی و امکان‌سنجی مطلوبیت مراجع قضایی استثنایی برای رسیدگی به دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی با تأکید بر حقوق ایران*»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۱۸.

* نیکبخت، حمیدرضا و ادیب، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، «*اصلاح‌گری و میانجی‌گری به‌عنوان جایگزین روش‌های سنتی حل اختلافات مدنی - تجاری (امکان به‌کارگیری آن‌ها در صنعت نفت)*»، تحقیقات حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۷۸.

* یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۹)، «*بررسی تطبیقی اقتصاد تعاونی با اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی*»، اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۳۷.

ب. انگلیسی

* Błaszczak, Ł. ; Kolber, J. (2013), "General Principles of Law and Equity as a Basis for Decision-Making in Arbitration", Comparative Law Review, Vol. 15

CHUA, Eunice. **The Singapore convention on mediation - A brighter future for Asian dispute resolution.** (2019). Asian Journal of International Law. Research Collection School of Law. Available at:

https://ink.library.smu.edu.sg/sol_research/2869.

Herisi, Ahdieh Alipour and Wendy Trachte-Huber. (2019). **“Aftermath of the Singapore Convention: A Comparative Analysis between the Singapore Convention and the New York Convention.”** American Journal of Mediation, 12.

Schnabel, Timothy. (2019). **“The Singapore Convention on Mediation: A Framework for the Cross Border Recognition and Enforcement of Mediated Settlements.”** Pepperdine Dispute Resolution Law Journal, vol. 19, no. 1.

Trakman, L. (2008), **“Ex Aequo Et Bono: De-Mystifying An Ancient Concept”**, Chicago Journal of International Law, Vol. 8, 2008; Available At: <http://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/cjil8&div=28&id=&page=>